

تتویم العوج

از تصنیفات

عالم ربانی و حکیم صمدانی مرحوم

آقای حاج محمد خان کرمانی

اعلی الله مقامه

چاپخانه سعادت کرمان

فهرست کتاب مبارک تقویم العوج

صفحه	مطلب
۲	علت تصنیف کتاب
۳	مقدمه - در ذکر مطالبی چند که عمده است و ابتدا و باید ثبت شود
۳	فصل - خواهش از ناظران در این رساله که از روی غرض مطالعه نمایند
۴	فصل - در تقسیم امور دنیا بر ضروری و نظری
۵	فصل - در تقسیم امور ادیان بر ضروری و نظری
۷	فصل - در بیان اینکه خداوند ضرورت را حجت خود قرار داده
۱۰	فصل - در بیان اینکه ضروری مسیبن محتاج بدلیل و برهان نیست و اما نظریات محتاج برهانند.
۱۲	فصل - در بیان اینکه کسانیکه منفرداً ادعائی دارند باید و ایشان طوری باشد که مسلم همه باشد و جواب سؤالات سائل
۱۷	جواب از شبهه اول که سائل در باره نزول وحی نموده و در بردارهای میرزا علی محمد

صفحه	مطلب
۲۵	جواب از شبهه دوم که سائل در باره نبوت و امامت و نسب ائمه علیهم السلام نموده و در تأویلات باطله
۴۰	جواب از شبهه سوم که همین بهوشهای ظاهری مردم را عقل نپداشته و گفته که هر کس عقل در او اقوی است پیغمبر است و بیانی در شرح اینکه انبیاء و اولیاءشان از سایر خلق است
۴۸	جواب از شبهه چهارم و اثبات اینکه انبیاء و ائمه صلوات الله علیهم هر علمی را دارا هستند و نیز دارای معجزات میباشند.
۵۳	جواب از شبهه پنجم که نویسنده شبهات انکار معجزات نموده و بیانی در مذمت کسانیکه احادیث را بغیر چشم تاویل می کنند.
۶۹	جواب از شبهه ششم (فقره اول) در بیان اینکه معجزه تقریب اسباب است و اثبات صحت اخبار وارده.
	جواب از شبهه ششم (فقره دوم) شرحی در کفایت و سجده و سحر و اثبات

مطلب

صفحه

اینکه مسجوز غیر از آنهاست و هر داعی تجزی باید مسجزاتی داشته باشد ۸۲

جواب از شبهه هفتم (فقره اول) و اثبات اینکه انبیا و ائمه صلوات الله

علیهم ظهور کمال عقلند و تجزی قابل هم میفرمایند ولی این را مسجوز خود قرار ^{نداده اند} ۱۰۱

جواب از شبهه هفتم (فقره دوم) در رد آنها اینکه سحر را قبول می کنند چون

از امور طبیعی است و مسجوز را رد میکنند و نقل قول شیخ رئیس. ۱۰۳

جواب از شبهه هشتم (فقره اول) در رد آنکه منکر مسجوز است و آنها را

حاصل برناویات نیامند و برای وهوی سخن میگویند. ۱۰۶

جواب از شبهه هشتم (فقره دوم) در اثبات اینکه مسجوز باید طوری باشد که

مناسب فهم مردم باشد. ۱۱۳

جواب از شبهه هشتم (فقره سوم) و در رد قول اینکه از جان خود

میگذرند معلوم میشود خود در ایشان بر حقند و سایر بر باطل. ۱۱۸

جواب از شبهه هشتم (فقره چهارم) و در رد این ادعا که هر حجتی شاهدش

مطلب

صفحه

کلام اوست و اگر کلام با قواعد نحو سین و سایر موازین درست نیاید

عیب نیست ۱۲۱

جواب از شبهه هشتم (فقره پنجم) و بیانی در اینکه نمیشود قواعد حق ضروری را

شخص ترک نماید و قول صحیح سابقین را معجزه دارد محض قول سبجی

مدعی و نیز بیانی در رد شبهات دیگری که نسبت بقرآن اقامه نموده ۱۳۲

فهرست کتاب مبارک در شرح اخبار کچه فوقه
ضالّه تاویل بزخرافات می کنند

مطلب	صفحه
مقدمه در علت تصنیف کتاب	۱۴۰
فصل بیانی در تاویل و اینکه کتاب تدوینی و تکوینی و نیز اخبار هر یک تاویلات مخصوصه دارند و شرحی در نهی از تفسیر و تاویل برای وهوی .	۱۴۱
فصل در رسم تاویل بحق و تاویل باطلن .	۱۴۴
فصل در اینکه خداوند عالم جل شانّه برای هر چیزی علامتی قرار داده که بآن اشیاء شاقه میشوند .	۱۴۶
فصل در بیان علامات مخصوص امام زمان عجل الله فرجه .	۱۵۱
فصل در ضرورت و اثبات اینکه کس خلاف ضرورت کند کافر است و تقسیم ضروریات بدو قسمت .	۱۵۱
فصل در ذمت آنها که امر بر آنها آن مرد را تاویل می کنند که عوام فریب خوردند	۱۵۳

مطلب	صفحه
فصل در اینکه اصل بنای مردمان با فهم ایشان بر تاویل است و مضایقه از هیچ ادعائی ندارند و اثبات اینکه پیغمبری پس از خاتم انبیا و صلوات الله علیه و آله نیست .	۱۵۳
فصل در بیان اینکه خود ملائین میفهمند که تاویل میکنند ولی غیر طریقیش مختصری در رسم تاویل	۱۵۵
فصل در بیان اینکه مناسط در صحت تاویل فعلیت است و تاویل کسی نمیتواند ادعای مهدویت و علویت غیر این را بنماید .	۱۵۶
فصل در ردّ اینکه ادعای اعجاز برای باب متراب کرده اند .	۱۵۸
شروع شرح اخبار	۱۶۰
سؤال در کتاب عوالم مرویت : نیز من بنی هاشم صبی ذو کتاب الی آخر و چند روایت دیگر که بعوالم و غیر آن نسبت داده است .	۱۶۰
جواب در بیان اینکه در عوالم روایت بانطور دیده نشده و نقل اصل احادیث از عوالم و شرح آنها .	۱۶۰

صفحه

مطلب

سؤال در کتاب بخار مرویت: لعلم سبعة وعشرون حرفاً الی آخر. ۱۶۶

جواب در شرح حدیث فوق الذکر و نفی وجه دلالت آن بر حضرات. ۱۶۶

سؤال در کافی در حدیث جابر در لوج فاطمه در صفت قائم علیه السلام

میفرماید حدیث کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ابوب الی آخر. ۱۷۳

جواب از مسئله فوق و شرح حدیث شریف. ۱۷۳

سؤال فی روضة الکافی عن معوية بن وهب عن ابی عبد الله علیه السلام

قال تعرف الزور او قلت جعلت فداک تقولون انما بعد الی آخر ۱۷۴

جواب در اینکه این حدیث را هم حضرات برای خود کج روایت میکنند

و تأویل میکنند و نقل اصل حدیث و شرح آن. ۱۷۴

سؤال و فی حدیث المغضل سئل عن الصادق علیه السلام فکیف یامری

فی طوره فقال علیه السلام فی سنة ستین نظیر امره و ییلو ذکره. ۱۷۶

جواب رد بر آنچه حضرات از این حدیث بخود نسبت داده اند و روایت اصل حدیث ^{شرح آن} ۱۷۶

مطلب

صفحه

سؤال فی قائمنا اربع علامات من علامات نبی موسی و عیسی و یوسف

و محمد صلی الله علیه و آله الی آخر. ۱۸۲

جواب شرح حدیث و نقل اصل آن. ۱۸۲

خاتمه در اثبات اینکه حضرات مذکور تناسخ را پیش گرفته اند و

رد بر تأویلات و ادعای باطله ایشان. ۱۸۹

هو الله تعالى

كتا مساك يوم

العوج ارضف عالم الراني
واحكم الضمدي وحيد العصر فريد
الدهم التامني عن الدين تحريف العالين
وانحال المبطلين وتناول الجاهلين وكيد الكائنين
برمان القاطيع وقاطيع البرمان حضرت
الابل الاعظم مولانا حاج محمد
خان كرماني مدظله
القسا

شاه اعين



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى وبعد چنین گردید بنده اشیر محمد بن کریم که در این زمان محنت
اقتران شهبانی و شکوگی چند از طایفه بایه در محرومته ایران حرسه الله من شر شیطان
شایع شده بود و صحبت ای خود را نقل مجالس و نقل محافل قرار داده بودند و جمعی از مضغای مسلمین هم
که کار و شغلی نداشتند و از پشای ملت و مذہب ایشان را اطلاع نبود برگرد ایشان حسیع
میشد و این فرخرفات را می شنیدند و خوف این بود که خرده خرده در ولما رسوخ کند و در اسلام شہ
تازه پیدا شود و یکی از مؤمنین آید و الله بتا سیدت بحق الائمه الطاہرین علیہم صلوات الله علیہم بعضی از انہا را
بر من عرضه داشت و حالت ایشان معاشرت و محاورات شان را بیان فرمود و بعضی از جوان دینی
اصرا فرمودند که روی بر این شہبات نبوسیم و بطلان این اقوال را ظاہر نمایم تا آنکہ شہد در دل حبال نفیقد
اگر چه سابق بر این سہ چار کتاب مفصل مرحوم مسرور والد اعلی الله مقامه عبرتی فارسی در رد ایشان فرمود
فرموده مذاجلا و آنچه در رسائل دیگر و در رس و مواعظ ابطال قول ایشان فرموده مذکفر شازر ابر عوام

و خاص ظاہر نموده اند و کتاب خود من نوشته ام و شکوک و شبہات ایشان را مشر و حاتر کرده ام
ولی چون دیدم این شہبات که مذکور شد تازه اختراع کرده اند و باب دیگر در گمراه کردن مردم گم شود
اند باز برخود لازم دانستم کہ مسؤل ایشان را اجابت نموده این باب را هم سہ نمایم تا آنکہ بطلان ایشان
ظاہر تر گردد و شاید از بعد بکلی رفع فرماید شہبات ایشان را و بدان آن سہ باشد شود اگر
چہ شیطان دایم در صد اطفا و نور حق است و هر روز بدعتی تازه می آورد ولی خداوند نور حق را خاموش
نمی فرماید و همیشه کسی را قرار داده کہ باطل را رد نماید و حق را احقاق فرماید و از خداوند است تا ما میجویم
کہ ما موفق دار در بر مضات خود و اولامت سہ عرض میکنم و بعد از آن شہبات آنها را یکی یکی ذکر
می کنم و هر چه خداوند مقدر فرموده در جواب بنوسیم و این رساله را نام نهادیم تقویم العوج

مقدمه

در ذکر مطالبی چند که عمده است و ابتداء اباید ثبت شود در ضمن فضولی :

فصل

اولاً هوش منیایم از ناظران در این اوراق که مرا با عرض تداستند زیرا کہ اشہد بالله کفری بشہد
مرا و مقصدی جز طلب مضات خداوند ندارم اگر چه در عمل خود سہوا عاصی شوم و مطایبی استماع
ال محمد صلوات الله علیہم و نشر فضایل و مناقب ایشان و اشاعه حق ایشان مرا نیست و همیشه اوقات
طالب حقم بجل الله و قوت حق را در هر چه و ترو هر کس باقیم مطیع و منقادم بلکه هر گاه خداوند حق را بر زبان
یک غلام سیاه جاری سازد و اطاعت میکنم ولو محض غم انف نفس آماره بسود باشد و حال اینکه از عادت
این است کہ بالطوع و الرضا عقب آن سپردم و هر گاه باطلی از زبان خودم سہوا جاری شود
بخص تذکر آن را آشکار نمایم و علانیه در ملائذ کور می دارم کہ این قول من خطا بود و حق چنین است و
معاشرین و مجالسین من این صفت را از من علانیه دیده اند و چند را بر این خلق شاکرم و هم چنین
متوقعم از ناظرین در این رساله شریفه کہ بہت دریک مشغول مطالعه هستند غرضاً از قلب خود پیر و نشانی



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى وبعد چنین گردید بنده اشتم محمد بن کریم که در تیرمان محنت
 اقران شهبانی و شکوگی چند از طایفه بابیه در محرومته ایران جز سها الله من شر شیطان
 شایع شده بود و صحبت های خود را نقل مجالس و نقل محافل قرار داده بودند و جمع از ضعفای مسلمین هم
 که کار و شغلی نداشتند و از پستی ملت و مذہب ایشان را اطلاعی نبود برگردایشان جمع
 میشد و این مخرقات را می شنیدند و خوف این بود که خرده خرده در ولها رسوخ کند و در اسلام شهبه
 تازه پیدا شود و یکی از مومنین ائمه الله بتائید سبج الائمة الطاهرین علیهم صلوات الله علیهم بعضی از آنها را
 بر من عرضه داشت حالت ایشان و معاشرت و محاوراتشان را بیان فرمود و بعضی از جوان دینی
 اصغر فرمودند که روی بر این شهبات نبوسیم و بطلان این اقوال را طاهر نمایم تا آنکه شبهه در دل حجاب نیفتد
 اگر چه سابق بر این سه چهار کتاب مفصل مرحوم مسرور و الله اعلم الله مقامه عبرتی فارسی در رد ایشان بود
 فرموده اند بجلاوه آنچه در رسائل دیگر و در دوس مواعظ ابطال قول ایشان فرموده اند و کفرشان را بر عوام

و خاص ظاهر نموده اند و کتاب خود من نوشته ام و شکوک و شبهات ایشان را مشروحاً ذکر کرده ام
 ولی چون دیدم این شهبات که مذکور شد تازه اختراع کرده اند و باب دیگر در گمراه کردن مردم گشوده
 اند باز برخود لازم دانستم که مسؤل ایشان را اجابت نموده این باب را هم ستم نمایم تا آنکه بطلان ایشان
 ظاهر تر گردد شاید خداوند بکلی رفع فرماید شبهات ایشان را و در میان آنها بسته شود اگر
 چه شیطان و ایم در صدد اطفاء نور حق است و هر روز بدعتی تازه می آورد ولی خداوند نور حق را خاموش
 نمی فرماید و همیشه کسی را قرار داده که باطل را رد نماید و حق را احقاق فرماید و از خداوند استمداد میجویم
 که مرا موفق دارد بر مرضات خود و اولامت در معرض میگویم و بعد از آن شبهات آنها را یکی یکی ذکر
 می کنم و هر چه خداوند مقدر فرموده در جواب بنویسم و این رساله را نام نهادم تقویم الصحیح
مقدمه
 در ذکر مطالبی چند که عمده است و ابتداء اباید ثبت شود در ضمن فضولی :
فصل
 پنجمین مینمایم از ناظران در این اوراق که مرا با عرض ندانند زیرا که اشهد بالله و کفی بشهدا
 مراد و مقصدی جز طلب مرضات خداوند ندارم اگر چه در عمل خود سهواً عاصی شوم و مطلقاً حسب اتباع
 ال محمد صلوات الله علیهم و نشر فضایل و مناقب ایشان و اشاعه حق ایشان مرا نیست و همیشه اوقات
 طالب حقم بجز الله و قوت حق را در هر چه و نزد هر کس باقیم مطیع و متقادم بلکه هر گاه خداوند حتی با بر زبان
 یک غلام سیاه جاری سازد اطاعت میکنم ولو محض غم نفس آلوده بود باشد و حال اینکه از عادت و
 این است که بالطوع و الرضا عقب آن میروم و هر گاه باطلی از زبان خودم سهواً جاری شود
 بجز تذکر آن را آشکار مینمایم و علانیه در ملاذ ذکر میبندم که این قول من خطا بود و حق چنین است و
 معاشرین و مجالسین من این صفت را از من علانیه دیده اند چند را بر این خلق شاکرم و هم چنین
 متوهم از ناظرین در این رساله شریفه که بعضی در یک مشغول مطالعه هستند غرضها را از قلب خود بیرون نیاورند

و اما آنچه شنیده که بگوئی مثلا حضرت امیر با بدن متعدده جلوه فرمودند این مقتضای معجز است بر خلاف عادت
 ملک است و الا این ملک صالح نیست برای زیاده از یک بدن اگر در ازمنه ائمه طاهرين هم میدیدی ائمه متعدده
 جمع میشوند مثل حضرت امیر و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهم السلام که دیگران بودند و مثل سایر
 ائمه که گاهی دو نفر و سه نفر بودند باز ناطق و حاکی کامل یکی بوده و سایجات و ماموم بوده اند پس در جهان این
 ناطق کامل و حاکی مطلق در بر زبان یکی بوده است پس چون این رساله را دینی عرض میکنم اگر منظور حضرت
 تا اولین چه از بابیه و عیسای ایشان اینست که بدنی غیر از آن بدن مخصوص حاکی تمام روح امامت شده است
 پس فلان نقیب یا نجیب یا عالم امام است بطور محال این قول خطاست بلکه کفر است و زندقه این بعینه مثل
 اینست که بگوئی بجز عثمان در خانه مورا نزل شده است چنین چیزی محال است یا اینکه بگوئی انگشته آبرین مثل
 سخت طلای مطلق افتاده است این خطاست رعیت آقا نخواهد شد غلام سید نخواهد شد ولی اگر بگوئی که از روح
 طیب در بدن خاص بجز و ظاهر شده است این حقیقت و درست و بدن خاص باو بجز همان یک بدن نیست
 حال شخص ناول چه میگویی یا این شخص را همان بدن خاص میداند که این ای سفیهاست چرا که شکست این بدن سپر
 میرزا رضای تراز بود در شیراز تو که در و چند صباحی نیست آنوقت دعوی مقاماتی چند نمود که شنیده و آن بدن
 مخصوص که حامل انتقام است سپر امام حسن عسکری است بین تفاوت ره از یکجا است تا یکجا باری برای عاقل
 بطلان این تأویلات بسی واضح است و محتاج به بطعقال نیست و آنکسی را که خداوند از برای کفر آفریده است اگر
 هزار دلیل بگوئی قبول نخواهد کرد و فضل و کرم امام زمان عجل الله فرجه بگوئین تا ویلات ایشان ضرری نخواهد کرد
 چنانکه سابق بر اینها هم اینهمه مبتدعین آمدند و تا ویلهما کردند و شرع را تفسیر دادند و تاویل نمودند و چند صباحی
 زیستند و خداوند ایشان را تمام کرد و بگوئین نیز ضرری نرسانند تا سنج را هم بچول و قوه پروردگار تمام
 میکند و ضرر بگوئین نخواهد رسید بلکه قوت و قدرت آنها هم زیادتر بود و حسد امر ایشان دوام نکرده مثل
 قرامطه و نقطویه و آن اشخاص که در عصر نواب و عاوی بساطل میکردند جهان تا بوده ایشان کار بوده و
 و بر خداست که بطلان امر باطل را ظاهر فرماید و بجز ائمه تا حال بر لبت پدر بر زوار من اعلی الله مقامه بطلان امر

ایشان بر جاهل و عالم ظاهر شده است و الحمد لله تاکنون از مضایف آنمردم و الامتقام اعلی الله مقامه
 و رفع فی الخلد اعلام و از این ناحیه نماند تاکنون شش رساله عربی و فارسی در زو این بلا عین با انواع
 مختلفه بیرون آمده است سوای آنچه در سایر کتب متفرقا نوشته شده است و در رسا و مواعظ ایشان
 فرموده اند و این جانب عرض کرده ام و حافظین اصحاب حفظ نموده و نوشته اند و متفرق شده است
 دست مردم و از خداوند سائلم که این سعی و کوشش قبول فرماید و مراد زمره ناصرین امام علیه السلام شود
 اللهم صل علی محمد و آل محمد الطیبین الطاهرين الاحیاء با فضل صلواتک و بارک علیهم با فضل برکاتک و استقامت
 علیهم و علی ارواحهم و اجسادهم و شیعتهم و رحمة الله وبرکاته و لفته الله علی اعدائهم المبتدعین الضالین
 المضلین الناصبین لحسن و شیعتم العداوة الی یوم القيمة و قد حصل الفسارغ من تسوید بذه الاوراق فی
 لیلۃ الثلاثاء خامس عشر شهر ذی حجة الحرام من شهر سنه ثمان و عین و مائین بعد الف عامه اشاکر
 مصليا مستغفرا خائفار جیا بفضل ربی و کتب بذه الکرار من مصنفها محمد بن کریم بن ابراهیم

شهرم الترمذی ساداتهم بمیناه الدائرة اعطاء الله کتابه بهانی الآخرة
 وجعلها له سبب المغفرة و وسیلة النجاة و القرب من جوار
 البنتی و غمرة الطاهرة علیهم الصلوات و التحیات
 یا هتاهم جناب مستطاب آقا علی باجر
 طهرانی در بندگی بی بی
 حسنی بزوی طبع در آ
 شهر ذی حجة الحرام سنه ضویر تمام یافت

بنفقه و دهنه محترم مرحوم میرزا آقا سید مهدی اوصدی رفسنجانی طاب ثراه

طبع شد